



جوانان دنبال اقتصاد نیستند، مطالبه گردن

● **ناصر فکوهی:** ...عوامی که گفتم پتانسیل‌های رادیکالی را در جوانان امروز ایجاد می‌کنند... (شاخص‌های ذهنی که) ممکن است شورش و انقلاب را به‌عنوان راه‌حل توجیه کنند، امروز خیلی کمتر مورد باور هستند اما از طرف دیگر شاخص‌های عینی که باعث شورش می‌شود خیلی بیشتر شده است. اگر به هر موجودی بیش از یک حدی فشار وارد شود، عقلانیتش را از دست می‌دهد...

عبدی: واقعیت این است که جامعه امروز ایران، دیگر هیچ راه‌حل مطالبه‌گرانه جزئی ندارد... اینها نیاز به یک راه‌حل بنیادی دارد...

آزمایشگاه

ازدست‌دادن فرصت‌ها

● **سعید مدنی:** ...براساس نتایج به‌دست‌آمده درباره شیوع و بروز اعتیاد در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی، حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نیروی کار شاغل در این محل‌ها، معتاد یا سابقه سوءمصرف داشته‌اند. نکته مهم آنکه با درنظرگرفتن دامنه سنی جمعیت شاغل و ترکیب جنسیتی آن از یک سو و محدودیت‌های مصرف مواد در محیط‌های کار، باید به‌زودی شاهد تغییرات تازه‌ای در نوع مواد مصرفی و روش مصرف بود. با درنظرگرفتن نکات مورد اشاره، اصرار و پافشاری بر اجرای برنامه‌های پیشگیري و درمان و کاهش زیان در محیط‌های کار، اهمیتی دوچندان یافته است. از این گذشته شواهد مورد اشاره در کنار ده‌ها مطالعه و پژوهش دیگر، نشان از ناکارآمدی اقدامات گذشته به منظور کنترل و کاهش سوءمصرف مواد دارد. تداوم وضع موجود و ادامه سیاست‌ها و برنامه‌های ناکارا و مدیریت ضعیف و غیرتخصصی اعتیاد در ایران، حاصلی جز ازدست‌دادن فرصت‌ها برای ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر در پی نخواهد داشت. دولت وظیفه دارد، مداخله برای کنترل و کاهش اعتیاد را در اولویت برنامه‌های خود قرار ه‌سد، زیرا در غیر این‌صورت به‌زودی به نیروی کار کشور همان خواهد رفت که بر کارگران و کارکنان زحمتکش علویه آمد.

نقد

شاخص‌های شکست اصلاحات

● از بهار دوم خرداد تا به امروز، حدود ۲۰ سال از عمر اصلاحات می‌گذرد؛ دوره زمانی که بی‌شک می‌توان آن را برای نقد دستاوردهای هر حرکت سیاسی کافی قلمداد کرد. پس بیره نیست گریس از ۲۰ سال خود پرپرسیم دنبال‌کردن اصلاحات ما را از کجا به کجا رسانده است؟ موضوع نقد ما فعالان اجتماعی نیستند، بلکه دقیقاً نقد یک جریان سیاسی است. برای نقد دستاوردهای ۲۰ سال اصلاح‌طلبی، ما معیارهای قابل سنجشی ارائه می‌کنیم که مشخصاً در پیوند با ساختار حقوقی و حقیقی قدرت هستند. شاخص دموکراسی: به معنای سهم نهادهای انتخابی و دموکراتیک برای نقش‌آفرینی در امور و تصمیم‌سازی‌های کشور. برای نمونه، می‌توان به شان و جایگاه مجلس اشاره کرد که زمانی قرار بود در رأس همه امور باشد اما امروز به‌اعتراف خود نمایندگان صادق حاضر در خانه مجلس، عملاً به نهادهی تشریفاتی تبدیل شده است. سطح پیوندی به قانون: آرای‌های سیاسی؛ با بررسی مثال‌های ساده‌ای می‌توانیم از خود پرپرسیم امروز چه نشانی از احزاب مستقل و فعال در عرصه سیاست سا باقی مانده؟ آیا فعالین سیاسی ذره‌ای به فعالیت تشکیلاتی اعتقاد دارند و یا هر اقدام تشکیلاتی بلافاصله به عنوان یک توطئه امنیتی سرکوب خواهد شد؟ آزادی‌های سیاسی... آزادی بیان و مطبوعات... «امکان بیان» ربطی به «آزادی بیان» ندارد. در این مورد باید دید که چه حجمی از این اطلاع‌رسانی می‌تواند به صورت قانونی و در رسانه‌های رسمی (مثل مطبوعات) انجام شود و بدون پیگرد حقوقی باقی بماند. آیا خبرنگاران ما حتی در سطح رؤیا هم می‌توانند بازگشت به عصر طلایی مطبوعات در نیمه دوم دهه ۷۰ را تصور کنند؟

نقد

رهبری نظام بعد از امام چگونه شد؟

- برخی از اصلاح‌طلبان بر این باورند که مدیریت نظام

بعد از امام متفاوت شد و برخی با صراحت می‌گویند از اهداف انقلاب اسلامی منحرف شدیم. عباس عبدی معتقد است بعد از امام دچار شکاف شدیم. ...ر.ک.انگاہ بحث اصلاح‌طلبان دو مسئله است: اول مخالفت با سکوت در قبال اقدامات فرامرزى انقلاب اسلامی در فردای امام و مخالفت با نظارت استصوابی بعد از امام. نخبران مذکور معتقدند بعد از امام دایره نخبان واجد صلاحیت برای ورود به قدرت کم شد و این چالش اصلی آنان را با نظام مشکل داده است. حجاریان با صراحت می‌گوید: «اشتباهاتی که ما خطاها‌می‌ما در دهه اول انقلاب انجام دادیم اکنون اصولگریان انجام می‌دهند». این عبارت اعتراف به تغییر این جماعت است یا رهبری؟ فضای فکری که از فردای امام در حلقه‌کیان به وجود آمد نشانگر این‌ بود که تفکرات شالوده‌شکن در حیات امام تحت انقیاد بود و با عروج ایشان سر برآورد. حال سؤال این است که حاکمیت چگونه می‌توانست مروجان سکولاریسم و نقادان مبانی اسلام و تشیع در حلقه‌کیان را در قدرت به رسمیت بشناسد؟ که البته در سال ۱۳۷۶ به رسمیت شناخت. اینکه کسانی از منتهاالیه چپ به مروجان لیبرالیسم تبدیل شدند مسئله مهمی در کشور ماست که نباید به‌راحتی از آن گذشت.

politics@sharghdaily.ir

مهدی معتمدی‌مهر: چکیده کلام آنکه بازرگان هرگز تجدیدنظرطلبی نکرد. البته «آخرت و خدا» واجد نکاتی تازه بود، اما حاوای هیچ زوایایی از پیش نور نتابیده و هیچ مطلب ناگفته‌ای نبود. چه‌سپا آنچه باعث شد این کتاب بر سر زبان‌ها بیفتد، شرایط خاص زمانی و تیتَر آن بود. همین مطالب را بازرگان قبل‌ا در «ناگفته‌های بعثت» هم گفته بود که در فروردین ۶۴ یعنی حدود هفت سال قبل از آخرت و خدا ایراد شده است. آخرت و خدا در سال ۷۱ شمسی ایراد شد و ایشان دو سخنرانی دیگر به مناسبت جشن بعثت پس از این تاریخ نگاشتند: «بعثت و نبوت» در سال ۷۲ و در دهم دی ۷۳ و فقط ۲۰ روز پیش از فوت، سخنرانی دیگری داشتند با عنوان «بعثت و آزادی».

«بعثت و آزادی» نشان می‌دهد تا آخرین روزهای حیات، بعثت انبیا در منظومه فکری مهندس بازرگان نمی‌توانسته با «آزادی» که مهم‌ترین نیاز اجتماعی و اساسی‌ترین مفهوم سیاسی است، بی‌ارتباط باشد و اگر بازرگان در سال ۷۱ به این نتیجه رسیده باشد که اسلام کاری به سیاست ندارد، پس دیگر هیچ ضرورتی نداشت که در سال ۷۳ از رابطه میان بعثت و آزادی بشر بگوید. بازرگان تأکید می‌کند: «از هم‌اکنون بگویم که مفهوم مخالف «دین برای دنیا» به‌هیچ‌وجه «دین ضد دنیا» یا بی‌طرفی و بی‌توجهی دین به مسائل صحیح امور دنیا نیست» و ادامه می‌دهد: «کتاب ما با مدیریت جامعه در چارچوب آیه بعثت یا رسالت پیغمبر منظور نگردیده است و به نظر نمی‌آید که جزء برنامه رسالت و ماموریت فرستادگان خدا بوده باشد».

بازرگان با تکیه بر آیات صریح قرآن آسیب‌شناسانه می‌گوید: «ابراهیم خلیل، بت‌شکن رشید و بانی مکتب توحید، وقتی با نمود مدعی رنوبیت روبه‌رو می‌شود، سخنی جز پرستش خدا نمی‌گوید و کاری به پادشاهی او ندارد. موسی هم مانند ابراهیم، کاری به امپراتوری و قصد سرنگونی فرعون را نداشته و مطالبه رهایی بنی‌اسرائیل را مطرح می‌کند و نه پایین‌آمدن از تخت سلطنت». پیام کاملاً روشن است: ... نظر بازرگان به‌هیچ‌وجه این نیست که اسلام با مسلمانان کاری به حکومت ندارند. حکومت عدل، یک ضرورت و قانون‌مندی اجتماعی و انسانی است وبعثت‌انبیای الهی در راستای به‌فعلیت‌رساندن کلان قانون‌مندی‌هاست؛ اعم از انسانی و الهی. هر انسانی به صرف زیست انسانی خویش، در برابر انتخاب‌ها و تصمیماتی درباره مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خویش قرار می‌گیرد. این مسئله هیچ انحصار و اختصاصی به طبقه و قشر خاصی ندارد. بازرگان براساس آیات صریح قرآن توضیح می‌دهد که کوتاه‌نگری، نزدیک‌بینی و خودنگری در ذات انسان نهفته است، اما اساس «دین» بر «آخرت» به‌مثابه یک نگاه بلندمدت و دوراندیشانه متمرکز است و از همین‌رو «برای چنین موجودی (شر) کاملاً طبیعی است که به خدا و دین از درپچه استفاده شخصی و احتیاجات نوعی دنیایی نگاه کند و چنین تصور کند که منظور خدا از بعثت انبیا و انزال کتاب، راهنمایی و تدوین آیین‌نامه و دستورالعمل یا نصیحت و دلالت برای اداره و بهبود دنیای بشر است». بازرگان براساس تفاوت‌های اساسی میان ظرفیت‌های گسترده جهان‌بینی الهی و محدودیت‌های ذاتی جهان‌بینی انسانی، می‌خواهد بر این کاستی فائق آید و برنامه و راه بشر را از دوراندیشی و نهایت‌نگری برخوردار کند.

«رسالت انبیای الهی که بنا به تعریف و اعتقاد مؤمنین، برانگیخته و فرستاده خدا برای انسان‌ها هستند در دو چیز خلاصه می‌شود:

- انقلاب عظیم فراگیر علیه خودمحوری انسان‌ها، برای سوق‌دادن آنها به‌سوی افریقدگار جهان‌ها؛
- اعلام دنیای آینده جاودان بی‌نهایت بزرگ‌تر از دنیای فعلی.

شایسته خدای خالق و فرستادگان و پیام‌آوران او، حقاً و منطقاً باید در همین مقیاس‌ها و اطلاعات و تعلیماتی باشد که دید و دانش انسان‌ها ذاتاً و فطرتاً از درک آن عاجز و قاصر است. گفتن و آموختن چیزهایی که بشر

سیاست

تحول در معرفت دینی یا تجدیدنظر؟

بازرگان چه گفت؟ ما چه شنیدیم؟



امکان کافی یا استعداد لازم برای رسیدن و دریافت آن را دارد، چه تناسب و ضرورت می‌تواند داشته باشد؟». بازرگان می‌گوید خداوند بشر را آزاد گذاشته تا با پای تجربه و خرد خویش مسائل مادی حیات فردی و اجتماعی خود را حل‌وفصل کند؛ اما از سوی دیگر هم تأکید می‌کند بعثت انبیا برای تعالی اخلاقی بشر بوده و حاوی ابلاغ ارزش‌هایی مانند آزادی و عدالت و نفی تبعیض است و اتفاقاً این تعلیم اخلاقی، اساسی‌ترین مفاهیم سیاسی‌اند که ریشه در اخلاق و زندگی اجتماعی بشر داشته و به نفس کرامت و ذات انسان مربوط هستند و از همین روست که نمی‌توانند مورد تأیید و توجه ادیان قرار نگیرند. به عبارت دیگر ادیان، مؤسس و صانع ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی نیستند و این مفاهیم پیش از ظهور ادیان و هم‌زمان با خلقت انسان یا به عرصه نهاده‌اند؛ اما این حقیقت که مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی وجودشان را از ادیان نگرفته‌اند، به معنای آن نیست که هیچ ارتباطی هم با ادیان نداشته باشند. هدف دین، خداست؛ اما موضوع آن انسان است؛ بنابراین دین نمی‌تواند به سیاست یا هر امر انسانی دیگر بی‌تفاوت بوده و به آن کاری نداشته باشد. نهاد دین خود در نهادی اجتماعی است، طبیعتاً از هر نهاد اجتماعی دیگر و ازجمله از نهاد سیاست، باید مستقل بماند. «رسالت اول انبیا (خداپرستی) انقلاب

علیه خصلت ذاتی بشر و یگانه راه خروج از صدف تنگ خودبینی و خودخواهی بوده است. پیام انبیا، انقلاب فراگیر در موضع‌گیری انسان‌ها در زندگی و جهان‌بینی و هدف‌گیری بشر بوده است که به ما می‌فهماند بشر مرکز و مقصد جهان و معبود دیگران نیست».

ارائه چنین برداشتی از انسان که او را در عرض خدا و محور کائنات نمی‌داند، نوعی جهان‌بینی و انسان‌شناسی است که با بیشترین صراحت، حق هرگونه سلطه بی‌چون‌وچرا را از او سلب می‌کند و بشر را در مقامی پاسخ‌گو و برابر با همه هم‌عنوان خویش قرار می‌دهد. این نگرش، هر کسی یا هر اندیشه‌ای را که بخواهد جایگاه خدایی را برای خود یا هر انسان دیگر متصور کند، «طاغوت» و «در برابر خدا» معرفی می‌کند؛ بنابراین در دیدگاه بازرگان، ساختار رسالت خداپرستی اقتضا می‌کند که انسان موحّد مؤمن مجاهد، نمی‌تواند به مقوله آزادی و کرامت بشر و نفی تبعیض بی‌تفاوت بماند؛ اما این برداشت نکته جدیدی در افکار بازرگان نیست. ایشان در دادگاه نظامی و در دهه ۴۰ خورشیدی، در پاسخ به این پرسش که چرا با استبداد مخالفیم؟ گفته بود: «در محیط استبدادزده هم پرستیده نمی‌شود».

بازرگان می‌گوید که حکومت، ماموریت عرفی دارد. از سوی دیگر، تثبیت توحید، لاجرم به نفی هر نوع طاغوت ملازمه دارد و بنابراین تقابل و مبارزه با ظلم و استبداد از جهت ذاتی بشر و یگانه راه خروج از صدف تنگ خودبینی و خودخواهی بوده است. پیام انبیا، انقلاب فراگیر در موضع‌گیری انسان‌ها در زندگی و جهان‌بینی و هدف‌گیری بشر بوده است که به ما می‌فهماند بشر مرکز و مقصد جهان و معبود دیگران نیست».

ارائه چنین برداشتی از انسان که او را در عرض خدا و محور کائنات نمی‌داند، نوعی جهان‌بینی و انسان‌شناسی است که با بیشترین صراحت، حق هرگونه سلطه بی‌چون‌وچرا را از او سلب می‌کند و بشر را در مقامی پاسخ‌گو و برابر با همه هم‌عنوان خویش قرار می‌دهد. این نگرش، هر کسی یا هر اندیشه‌ای را که بخواهد جایگاه خدایی را برای خود یا هر انسان دیگر متصور کند، «طاغوت» و «در برابر خدا» معرفی می‌کند؛ بنابراین در دیدگاه بازرگان، ساختار رسالت خداپرستی اقتضا می‌کند که انسان موحّد مؤمن مجاهد، نمی‌تواند به مقوله آزادی و کرامت بشر و نفی تبعیض بی‌تفاوت بماند؛ اما این برداشت نکته جدیدی در افکار بازرگان نیست. ایشان در دادگاه نظامی و در دهه ۴۰ خورشیدی، در پاسخ به این پرسش که چرا با استبداد مخالفیم؟ گفته بود: «در محیط استبدادزده هم پرستیده نمی‌شود».

بازرگان می‌گوید که حکومت، ماموریت عرفی دارد. از سوی دیگر، تثبیت توحید، لاجرم به نفی هر نوع طاغوت ملازمه دارد و بنابراین تقابل و مبارزه با ظلم



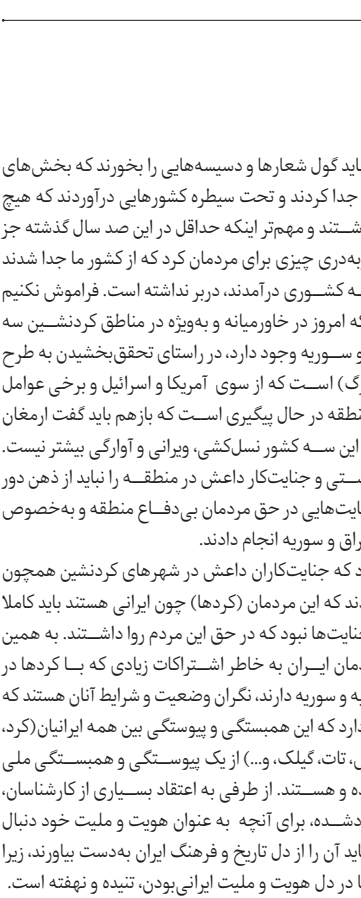
می‌داند. شد. اما شخصیت‌های بزرگ به همراه مردم این مناطق به خوبی آگاه

انسان و عدالت و آزادی به عنوان ارزش‌های پیشادینی و هنجارهای عرفی و انسانی توجه دارد و معتقد است این مفاهیم در برنامه زندگی هر انسانی وجود دارد و اختصاص به دین و دینداران ندارد.بازرگان سال‌ها پیش از انقلاب و در بعثت و ایدئولوژی همین حرف‌ها را زده و چنین می‌نویسد: «تقدیم که در یک کشور یا در دنیا بیابند کتاب شریعات مسلمان‌ها یا مسیحی‌ها را بگیرند و احکام آن را طبق النعل بالنعل از عبادات تا دیات بر مردم جاری سازند. صحبت روی اصول و هدف‌های ایدئولوژی است. مخصوصاً به لحاظ جهان‌بینی ایدئولوژی که درپچه و عرش الهی باشد، نه از سوراخ تنک و چشم نزدیک بین افکار و منافع خودماتی.» در همین کتاب، بازرگان مبانی ایدئولوژی الهی را برمی‌شمارد و می‌گوید: «منظور ما از قانون، اصول کلی سازنده ایدئولوژی و قوانین اساسی است که مسیر و مسئولیت‌های عمومی را تعیین می‌کند و در آیه بعثت آمده است. نه قوانین فرعی و تفصیلی اداری و اجرایی که معمولاً در مجالس مقننه به تصویب رسیده است. مانند قانون بیمه‌های اجتماعی، قانون انتخابات و...».

بازرگان در بعثت و ایدئولوژی می‌گوید: «در ایدئولوژی اسلامی ملازمه کامل مابین اقتصاد و هر مسئله دیگر مربوط به فرد و اجتماع با ایمان و اخلاق وجود دارد». اما اسلام تأکید بر سیستم خاصی برای اقتصاد ندارد و نمی‌توان مدعی شد که الگوی مژکد اسلام، سوسیالیسم یا کاپیتالیسم است.بازرگان در بعثت و ایدئولوژی تصریح می‌کند: «در ایدئولوژی ما آزادی موهبتی است، الهی و کلیدی است برای ترقی و جلوگیری از آن، در حکم «بصودن عن سبیل الله» و مخالفت با خالق و خیانت به بندگان است. بر همین اساس که در سال ۴۳ و سال‌ها پیش از نگارش نظریه آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا گفته شده است، دو سال پس از تقریر کتاب یادشده و در روزهای آخر حیات خویش، سخنرانی‌ای ایراد می‌کند با عنوان «بعثت و آزادی».

بررسی اجمالی سخنرانی‌های مهندس بازرگان در خصوص بعثت که مهم‌ترین و طولانی‌ترین پروژه فرهنگی آن بوده و قریب به ۳۷ سال ادامه داشت، نشان می‌دهد که ایشان هرگز در افکار خود تجدیدنظر نکرد اما مسلماً تجربیات و مشاهدات وقایع و تأمل و تعمق روزافزون او بر تاریخ جهان و ایران را مشروطه به این سو، در تکامل برداشت‌ها و رفع کاستی‌ها و افزایش اثربافت‌های جدید مؤثر بوده است. چنان که تا پیش از انقلاب، تمایزی میان دین و نهاد دین و سیاست و نهاد سیاست (حکومت) در مجامع روشنفکری و سیاسی مطرح نبود، اما پس از انقلاب این تمایزات بیشتر دیده و شناخته شد. اما «تجدیدنظر» معنایی دیگر داشته و به معنای نقض اصول سابق و جایگزین‌کردن اصول و مبانی جدید است که در آثار فرهنگی و معرفتی بازرگان به چشم نمی‌خورد و از این رو با این داوری نمی‌توانیم موافق باشیم که گفت: «بازرگان که خود روزگاری مفتون ایدئولوژی‌اندیشی بود، با مرگ خود بر آن فکر مهر خاتمت زد. مرگ او نماد مرگ آن اندیشه است».

بازرگان بر اساس آنچه هر لحظه می‌دید و می‌آموخت، از پذیرش تحولی به سوی کمال ابا نداشت اما بررسی آثار او در حوزه بعثت که در نزدیکی به چهار دهه به طور جدی پیگیری شد، نشان می‌دهد که هرگز دچار نوسانات زیگزاکی و تجدیدنظرطلبانه نشد. بر یک خط و یک صراط ایستاد و رو به بی‌نهایت سیر کرد. مرگ بازرگان نته‌ها مرگ اندیشه‌اش را در پی نداشت که امروزه گفتمان او بیش از هر شخص دیگری، راه‌اصل اساسی گذار به سوی دموکراسی به شمار می‌رود. اینکه می‌بینیم پس از چهار دهه که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، از میان شخصیت‌های مؤثر در جریان انقلاب، با وجود کوتاه‌بودن دوران مسئولیت حکومتی‌اش، همچنان سخن از بازرگان است، حکایت از توقف خط بازرگان در توصیه به عقلانیت، اعتدال، ششی تدریجی، اولویت آزادی بر سایر مطالبات و اهمیت حاکمیت قانون بر مواردی‌دیگر دارد. یادش زنده و راهش پررهو باد.



بوده و هستند که نباید گول شعارها و دسیسه‌هایی را بخورند که بخش‌های

زادای از کشورمان را جدا کردند و تحت سیطره کشورهایی درآوردند که هیچ

سنجیتی با آنها نداشتند و مهم‌تر اینکه حداقل در این صد سال گذشته جز

آوارگی و ویرانی و دره‌بردی چیزی برای مردمان کرد که از کشور ما جدا شدند

و تحت حاکمیت سه کشوری در آمدند، دربر نداشته اند. فروش تکنیم

شرایط بحرانی‌ای که امروز در خاورمیانه و به‌ویژه در مناطق کردنشین سه

کشور ترکیه، عراق و سوریه وجود دارد، در راستای تحقیق‌بخشیدن بر طرح

خاورمیانه جدید (بزرگ) است که از سوی آمریکا و اسرائیل و برخی عوامل

سرسپرده آنها در منطقه در حال پیگیری است که بازم باید گفت ارغمان

آن برای مردمان کرد این سه کشور نسل‌کشی، ویرانی و آوارگی بیشتر نیست.

تشکیل گروه تهروریستی و جایات‌کار داعش در منطقه را نباید از ذهن دور

داشت که چه جنایت‌هایی در حق مردمان این بدفاع منطقه و به‌خصوص

کرده‌ها در دو کشور عراق و سوریه انجام دادند.

ناید فراموش کرد که جایات‌کاران داعش در شهرهای کردنشین همچون

«سنجار» اعلام کردند که این مردمان (کرده‌ها) چون ایرانی هستند باید کاملاً

ناپود شوند و چه جنایت‌ها نبود که در حق این مردم روا داشتند. به همین

خاطر است که مردمان ایران به خاطر اشتراکات زبانی که با مردم کرد در

کشورهای عراق، ترکیه و سوریه دارند، نگران وضعیت و شرایط آنان هستند که

این خود نشان از آن دارد که این همبستگی و پیوستگی بین همه ایرانیان (کرد،

آذری، بلوچ، لر، فارس، تات، گیلک، و...) از یک پیوستگی و همبستگی ملی

و دیرین برخوردار بوده و هستند. از طرفی به اعتقاد بسیاری از کارشناسان،

کرده‌ای سه کشور پادشده، برای آنچه به عنوان هویت و ملت خود دنبال

کرده و می‌خواهند، باید آن را از دل تاریخ و فرهنگ ایران به‌دست بیاورند، زیرا

هویت و ملت کرده‌ها در دل هویت و ملت ایرانی‌بودن، تپیده و نهفته است.



نماینده ولی فقیه در سپاه:

نگاه مقام معظم رهبری این است که تمدن غرب در حال افول است

● **حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی:** نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، در حاشیه نمايشگاه تحول دانشگاه جامع امام حسین(ع) گفت: ایده‌ها و اراده‌های جوانان و متخصصان ایرانی در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در حال حرکت است. به گزارش سپاه‌نیوز حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی با اشاره به شکل‌گیری ایده‌های انقلابی در بین جوانان و متخصصان دانشگاه جامع امام حسین(ع) تصریح کرد: ایده‌ها و اراده‌های جوانان و متخصصان ایرانی در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، در تحقق دانشگاه تراز انقلاب اسلامی در حال حرکت است.

نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: رهبر معظم انقلاب نگاهشان این است که تمدن غرب در حال افول بوده و دانشگاه‌ها باید نقش خود را در تمدن نوین اسلامی ایفا کنند. او با اشاره به ظرفیت‌های موجود در نمایندگی ولی فقیه در زمینه علوم اسلامی و انسانی سپاه بیان کرد: نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران ظرفیت بالایی دارد که می‌تواند در زمینه‌های علوم اسلامی و انسانی و تربیت پاسداران و جوانان تراز انقلاب اسلامی پشتیبان طرح تحول علمی و تعالی معنوی دانشگاه جامع امام حسین(ع) باشد.



ادامه از صفحه اول

فرصتی که از دست رفت

نهاد روحانیت و جامعه روشنفکران مانند نهضت آزادی و جبهه ملی در سطوح و ابعاد مختلف شاره را دعوت به اصلاح و رفرم می‌کردند. آنها در تحرکات و مبارزات سیاسی خود همه اعتقاد و اهتمام را بر این امر گذاشته بودند که شاه با کزینش مشی رفرمیستی به تصحیح امور آشفته کشور بپردازد و انتقادات اعتراضات روزافزون موجود را به نحو منطقی و قانونی حل‌وفصل کند، اما از سوءقضا چنین نشد. مهندس مهدی بازرگان در آن بزرگاه‌ها در دادگاه رژیم به ایراد این جمله پرداخت که «ما آخرین کسانی هستیم که از راه قانون اساسی به مبارزه سیاسی برخاسته‌ایم». مفهوم و منطوق و دلالت این گزاره تاریخی و استراتژیک چیزی جز این معنای روشن نبود که در صورت عدم اعمال رفرم در جامعه، قهراً کشور به ورطه اعتراضات و مبارزات مسلحانه خواهد لغزید، اما در قبال این هشدارها و راهبردهای دلسوزانه، شاه سرمست درآمدهای متضاعد نفت و افسون‌زده قدرت لجام‌گسیخته مستقر گشت، وقت مناسب برای تجدینظر را از دست داد و لجوجانه به منطق اصلاحات نزن در نداد و در فرجام به حکم جبر تاریخ و اراده خوششان سردم، از پای درآمد. به‌لحاظ هستی‌شناختی، اصلاح و ترمیم از قوانین فراگیر طبیعت است؛ هرجا که خدشه و جراحتی بر پیکر طبیعت وارد می‌شود، خودبه‌خود در چرخه خودترمیم‌کننده وضعیتی به سوی بهبودی می‌رود. شاه در برابر این اصل طبیعی و اجتماعی، سرسختی ورزید و به واقعیت تمکین نکرد. سپس به‌سرعت با برآمدن امواج فزاینده انقلاب در اوج اقتدار کاذب سقوط کرد. زمانی مبارزه مردم با رژیم تشدید شد و تعداد کشته‌ها که مسیر اصلاح و رفرم مسدود شد و گلوله، سیئه مردم را نشانه گرفت. پیداست چنین خشونت و جنایتی برای مردم پذیرفتنی نبود. ملت نمی‌توانست تحمل کند که نظام و سیستمی که مدعی رعایت مصالح ملت و پاسبان حقوق بشر و تحقق دموکراسی است، علیه مردم خود، چنین رفتاری را اختیار کند. درواقع مردم رفتارها بود که – در یک تسلسل تاریخی – موجب انقلاب شد. هرچند محمدرضا پهلوی در واپسین لحظات عمر حکومت ناچار به پذیرش فضای باز سیاسی شد، اما چنین تواضع ناهنگامی مانند نوشدارویی پس از مرگ سهراب بود. هر سال در ایام بزرگداشت انقلاب، امکان و فرصتی فراهم می‌شود برای بازاندیشی در شعارها. اینکه با تبیین اهداف انقلاب، معضلات و موانع عارض شده، در تحقق این مقاصد و معالی جقدر موفق بوده‌ایم؟ جهان امروز در عرصه دیپلماسی، البته ملزومات و قواعد بازی خاص خود دارد. باید با درنظرگرفتن این قواعد و دیسپلین‌ها، هر تعاملات به بازاندیشی پرداخت. نمی‌توان استقلال و هویت ملی و دینی خود را فرونهاد، اما و هزار اما باید منطق سیاست‌ورزی‌های جهان جدید را نیز لحاظ کرد و گوشه چشمی به مصالح و مقتضیات جهانی داشت. به تعبیر ادگار مورن، ما در جهان پیچیده سکنا گزیده‌ایم. این جهان فراوانده در ورطه پیچیدگی، راه و روند خود را فراسوی محاسبات خوشایندها و براینده‌های این و آن می‌گشاید و به سوی افتتاح افق آینده می‌تازد. در این مقطع از روزگار باید روشمندان به سیاست داخلی و روابط بین‌الملل نگرست.